

بقلم: آقای م. اورنگ

دنباله گفتار پیش

نگاهی به ترجمه‌های اوستا

«قربانی بجای ممتاپش»

در ترجمه‌های فارسی دو بخش از اوستا که یکی بنام «آبان‌یشت» و دیگری بنام «گوش‌یشت» است، از برخی پادشاهان و دلاوران ایران و توران یاد میکند و از اسب و گاو و گوسفند قربانی کردن آنان درس کوه البرز یا روبروی دریاچه و کاخ زیرزمینی و جز آنها سخن میراند که در خور بررسی و باریک بینی است. اینک برای نمونه چکیده آن بخش از آبان‌یشت را که وابسته به هوشنگ شاه پیشدادی است مینویسیم و درباره آن به گفت‌وگو میپردازیم.

در ترجمه کرده (۶) = (فصل ۶) مینویسد:

«هوشنگ پیشدادی در بالای کوه هرا (البرز)، سد اسب، هزار گاو، ده هزار گوسفند قربانی کرد و این درخواست را نمود که بر همه کشورها بزرگترین شهریار گردد و بر همه دیوان و اهریمنان چپرو پیروز شود».

در کرده‌های دیگر نیز از سد اسب، هزار گاو و ده هزار گوسفند قربانی کردن جمشید، اژی‌دهاک، فریدون، نریمان گرشاسب، کیکلوس، کیخسرو و کسان دیگر مانند افراسیاب تورانی و جز او گفت‌وگو میکند.

قربانی کردن برخی از آنان درس کوه و برخی هم در کنار دریاچه و گذرگاه و کاخ زیرزمینی بوده است.

پس از این یادآوریم اینک بر سر داستان هوشنگ و قربانی کردن او درس کوه البرز برمیگردیم.

هنگامی که آدم ترجمه کرده (۶) آبان یشت را میخواند ، در شگفت میماند و به خرد و دانش هوشنگ شاه بد گمان میشود و در باور کردن این سخنان دو دل میگردد .

دوچار شگفتی شدن و در باور کردن این ترجمه دودل گشتن از چهارراه است : یکی اینکه در ایران باستان قربانی نبوده و ایرانیان پیشین جانداران را بنام قربانی نمی کشتند . قربان کردن از راه و رسمهای وابسته بآئینهای نژاد سامی است . هیچگونه نوشته‌ئی از روزگاران گذشته در دست نداریم که ایرانیان چنین کاری میکردند .

دوم اینکه ایرانیان گوشت اسب نمیخوردند که آنرا بنام قربانی سر ببرند . از نوشته‌های باستانی آشکارا برمیآید که اسب در نزد ایرانیان برای سواری و رفتن بمیدان جنگ ارزش زیاد داشته و دلاوران و سوارکاران ، اسبان خوب را بدست میآوردند و نیک می پروراندند .

همچنین گاو هم در نزد ایرانیان برای کشاورزی و آباد کردن زمین ارزش فراوان داشته و برای شخم کردن و تخم افشاندن و دیگر کارهای برزیگری از آن برخوردار میشدند .

گوسفند هم چنانکه میدانیم سود فراوان دارد و همگان از آن بهره مند میشوند . بنابراین نمی توان پذیرفت هوشنگ شاه و دیگر پادشاهان و بزرگان ، بنام نذرونیاز این همه اسب و گاو و گوسفند را بر سر کوه میبرده‌اند و آنها را سرمیبرده‌اند و آشکارا به کار زندگی و آبادی کشور زیان میرسانده‌اند .

سوم اینکه اگر هم میخواستند این کارها را بکنند ، نیازی باین نبوده که این همه جانداران سودمند را بارنج و کوشش زیاد از شهر و ده بیرون کنند و پس از چند روز راه پیمائی بر سر کوه البرز ببرند و در آنجا کشت و کشتار راه بیندازند !

درس کوه البرز آدم پیدا نمیشود که از گوشت این همه قربانی‌ها برخوردار شود. شاید چرنده و پرنده هم پیدا نشود.

بنابراین، بجای آوردن آئین این جور قربانی، از خردودانش دوراست و هیچ آدم خردمندی چنین کاری نمیکند.

چهارم اینکه قربانی کردن باید پس از بر آورده شدن آرزو انجام گیرد نه پیش از آن.

پس از این گفت‌وگو و آگاهی‌یافتن از این ترجمه‌ها، خوب است در این باره از روی ژرف‌نگری بررسی کنیم ببینیم معنی درست این بخش چیست و لغزش از کجاست؟

نخست باید بدانیم که واژه‌ئی که به قربانی کردن برگردانده شده، در اوستا یزته (Yazata) میباشد.

این واژه از ستودن است و معنی (بستود) را میدهد. زیرا از ریشه: یز (Yaz) بمعنی ستودن و ستایش کردن یا نماز و نیایش بجای آوردن است. در بسیاری از ترجمه‌های اوستا نیز به همین معنی آمده. از آنها است بندهای (۱۷ - ۵۳ - ۱۰۴) آبان‌یشت که در آنجاها بمعنی (بستود) یاد شده است.

از آنچه گذشت بخوبی بر می‌آید که هوشنگ شاه و دیگر پادشاهان و بزرگان، درس کوه خدارا ستوده و نماز و نیایش بجای آورده‌اند.

این معنی با راه و روش پیشینیان بخوبی جور و سازگار است و با نوشته‌های اوستا نیز برابری میکند زیرا کوه در اوستا بنیکی یاد شده و همانجوریکه تاریخ-نویسان یونان مانند هرودوت و دیگران هم مینویسند، ایرانیان بیشتر بر سر کوه میرفتند و در آنجا که دارای شکوه و زیبایی است و خالی از آلودگی‌ها میباشد خدا را می‌ستودند و نیایش بجای می‌آوردند.

این معنی که نمودار اندیشه روشن گذشتگان است درخور پذیرش است و با سنجش خرد و دانش هم جوزمیآید .

اکنون باید درباره اسبان ، گاوان و گوسفندان بررسی کنیم و بچگونگی آنها پی ببریم .

خوشبختانه آنهم بخوبی ساده و روشن است و هیچگونه دشواری ندارد . از گفته های اوستا چنین برمیآید که هوشنگ شاه و دیگر کسانی که از آنان نام برده شده هر يك دارای سد اسب ، هزار گاو و ده هزار گوسفند بوده اند و از این راه در میان مردم نام و آوازه داشته اند .

تاریخ نشان میدهد که در روز گاران پیشین ، داشتن اسبان ، گاوان و گوسفندان زیاد ، نشانه نیرومندی ، بزرگی ، دارائی ، توانگری و توانائی بوده و خداوندان این جانداران سودمند ، از این راه پایه بلند و بزرگ داشته اند . اینها چیزهائی است که درنامه های گوناگون باستانی ، بدرازا نوشته شده و نیازی باین نیست که در این باره بیش از این گفت و گو شود .

با بررسی هائی که کردیم معنی کرده (۶) آبان یشت چنین میشود :
 « هوشنگ پیشدادی که دارای سد اسب ، هزار گاو و ده هزار گوسفند بود ، در بالای کوه هرا خدا را بستود یا نماز و نیایش بجا آورد و از او این درخواست را نمود که بر همه کشورهای بزرگترین پادشاه گردد و بر همه دیوان و اهریمنان چیر و پیروز شود » .

این ترجمه یا معنی ، با دستورهای فرهنگ اوستا بخوبی سازگار است و هیچگونه گزاف و دشواری و پیچیدگی ندارد که باور نکردنی باشد و مایه شگفتی گردد .

معنی بخشهای دیگر نیز بدینسان است و نمودار پادشاهان و بزرگان است که دارای سد اسب و هزار گاو و ده هزار گوسفند بوده اند و در بالای کوه یا رو بروی

دریاچه ویا در جاهای دیگر خدارا ستوده‌اند و نماز و نیایش بجا آورده‌اند و آرزوی کامیابی کرده‌اند .

در این گفتار بیش از این نمی‌توان در این باره گفت و گو کرد و معنی هریک از واژه‌ها را روشن ساخت ، این کار به‌هنگام دیگر واگذار میشود .

چیزی که باید در پایان گفتار خود یادآوری کنم این است که دانشمند اوستا شناس هندوستانی موبد جمشید کاتراک نیز چند ماه پیش در این باره گفتاری نوشته و آشکارا گفته‌اند که در ایران باستان قربانی نبوده و ترجمه کنندگان اوستا در ترجمه واژه اوستائی که به قربانی کردن برگردانده‌اند دچار لغزش شده‌اند . گفتار ایشان در یکی از شماره‌های امسال مجله هویخت زرتشتیان که وابسته بیکی از سه ماه تابستان امسال بوده چاپ شده است .



جز بخر دمند مفر ما عمل

حواس ظاهر و باطن بمنزله دیده‌بان عضوند که هریک را فائده‌ی جداگانه و شغلی علیحده است .

چنانکه حاسه بصر ادراک مبصرات کند ، از قبیل الوان و اضواء ، حاسه سمع ادراک مسموعات کند از قبیل اصوات و الفاظ ، و برین قیاس هریک عملی مخصوص دارند که آن دیگر را در آن مدخل نیست .

پس ، در اطراف مملکت را هم دیده‌بانی از پی هر عمل که قوه آن عمل در او باشد لازم است .

قآنی